

# هرگز خواب کورش

دوشنبه ۲۰ دی ۱۳۸۹ - ۱۰ ژانویه ۲۰۱۱

سیمین بهبهانی

دارا جهان ندارد،  
سارا زبان ندارد

با با ستاره ای در  
هفت آسمان ندارد!

کارون ز چشمه خشکید،  
البرز لب فرو بست

حتا دل دماوند،  
آتش فشان ندارد

دیو سیاه دربند،  
آسان رهید و بگریخت

رستم در این هیاهو،  
گرز گران ندارد

روز وداع خورشید،  
زاینده رود خشکید

زیرا دل سپاهان،  
نقش جهان ندارد

بر نام پارس دریا،  
نامی دگر نهادند

گویی که آرش ما،  
تیر و کمان ندارد

دریای مازنی ها،  
بر کام دیگران شد

نادر ز خاک برخیز،  
میهن جوان ندارد

دارا ! کجای کاری،  
دزدان سرزمینت

بر بیستون نویسند،  
دارا جهان ندارد

آییم به دادخواهی،  
فریادمان بلند است

اما چه سود،  
اینجا نوشیروان ندارد

سرخ و سپید و سبز است  
این بیرق کیانی

اما صد آه و افسوس،  
شیرژیان ندارد

کو آن حکیم توسی،  
شهنامه ای سراید

شاید که شاعر ما  
دیگر بیان ندارد

هرگز نخواب کوروش،  
ای مهرآریایی

بی نام تو، وطن نیز  
نام و نشان ندارد